

واکاوی و بررسی تاریخی انگاره تحریف عهدین در تفاسیر عرفانی قرآن

پرویز رستگار^۱

حسین حیدری^۲

پیمان کمالوند^۳

چکیده

عهدین به عنوان کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، به واسطه وجود برخی از آیات در قرآن بارها از نقطه نظر تحریف مورد توجه مفسران مسلمان واقع شده، و هریک به فراخور رویکرد خود به این رویداد توجه نشان داده و از وجوه مختلف بدان پرداخته اند. در این میان با توجه به تفاوت رویکرد عارفان در تفسیر قرآن و توجه عرفا به جنبه های رازوارانه قرآن و رویکرد تأویلی آنان به کتاب الله بررسی و واکاوی این انگاره در تفاسیر عرفانی می تواند افق های جدیدی را برای قرآن پژوهان بگشاید. به همین منظور پژوهش حاضر سعی دارد تا با گردآوری اطلاعات و داده های دست اول بر پایه روش کتابخانه ای و تکیه بر دو محور اصطلاح شناسی و بررسی تاریخی با رویکرد تاریخ انگاره ای موجود با رهیافتی توصیفی و فارغ از پیش فرض های کلامی به واکاوی شکل گیری گفتمان تحریف عهدین در میان تفاسیر عرفانی قرآن بپردازد. این پژوهش در پایان با پردازش و تحلیل اطلاعات به دست آمده نشان خواهد داد که اولاً تا اواخر قرن چهارم، هیچ سخنی مبنی بر تحریف عهدین در تفاسیر عرفانی بیان نگردیده است و به نظر می آید که تا قرن چهارم رویکرد اصیل انگاری عهدین، رویکرد غالب در تفاسیر عرفانی بوده است. ثانیاً این انگاره از قرن پنجم و با اعتقاد قشیری به وقوع تحریف در عهدین آغاز شد و پس از او این انگاره مشتمل بر دو گونه معنوی و لفظی در ذیل آیات ناظر به تحریف عهدین در اکثر تفاسیر بیان گردید.

کلید واژه ها:

تاریخ انگاره، تحریف، عهدین، تفاسیر عرفانی.

^۱ - دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. نویسنده مسئول: p.rastegar@kashanu.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

^۳ - دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

پیشگفتار

الهیات تاریخی و رویکرد تاریخی به شکل گیری مفاهیم دینی، دانشی به غایت مهم در حوزه علوم انسانی است زیرا طرح بسیاری از مباحث الهیاتی زمینه های تاریخی خاص خود را دارد و در واقع تحلیل بسیاری از این پدیده ها بیش از آنکه مبتنی بر ذات موضوع باشد مبتنی بر شرایط تاریخی است. موضوع تحریف متون مقدس نیز به عنوان یک مقوله تاریخی از این امر مستثنا نیست. طرح موضوع تحریف عهدین پیشینه ای طولانی دارد و برخی حتی این پیشینه را به دوران قبل از اسلام تسری داده اند اما به فرض صحت این نظریه، وسعت و حوزه طرح این موضوع به صورتی که در قرآن مطرح شده، نبوده و کمترین شاهد بر استواری چنین نظریه ای عدم اشاره به تحریف تورات در اناجیل است. همچنین اگرچه خاستگاه تحریف عهدین را به واسطه وجود آیاتی در ارتباط با رفتارهای ناهنجار و رد برخی از عقاید یهودیت و مسیحیت می توان به قرآن ارتباط داد اما رویکرد قرآن به عهدین نیز همیشه در یک قالب و عبارت نبوده و به صورت های گوناگون و با تعبیر مختلف بیان شده است. از یک سو قرآن به عنوان یکی از کتاب های آسمانی به قدری بر منزلت والای متون مقدس پیش از خود، مشخصا تورات و انجیل تأکید می کند که ایمان به آنها را همچون ایمان به خدا و رسول، بخشی ضروری از زندگی ایمانی مسلمانان به شمار می آورد. اما از سوی دیگر در قرآن آیاتی وجود دارد که از نظر بسیاری از عالمان مسلمان بر محرف بودن آن متون دلالت دارند تا جایی که این آیات موجب شده است که امروزه اعتقاد به محرف بودن تورات و انجیل امری اجماعی میان عالمان مسلمان به شمار آید. همچنین اتخاذ پاره ای از دلایل توسط مفسران مسلمان در طول تاریخ موجب شده است که اصطلاح تحریف در ارتباط با عهدین، مصادیق مختلفی پیدا کرده و دیدگاه های متفاوت و گسترده ای در پرتو این تفاسیر ارایه گردد که در این میان بررسی رویکردهای متفاوت تفسیری به این مسأله می تواند پرده از رویکرد مفسران مسلمان نسبت انگاره تحریف عهدین بردارد و با توجه به اینکه یکی از رویکردهای تفسیری مورد توجه مسلمانان در طول تاریخ رویکرد عرفانی در فهم قرآن بوده است و بی تردید بخش مهمی از متون عرفانی را تفاسیر عرفانی آیات و روایات و داستان های قرآنی تشکیل داده است و درحقیقت عرفان اسلامی به عنوان بخشی از دایره الهیات و معارف دینی از تفسیر آثار و مآثرات دینی و نگاه خاص خود به این منابع پدیدار شده است محقق بر آن است تا در این پژوهش، نظرات عرفا را در باره انگاره تحریف عهدین از لابه لای متون تفسیری آنان استخراج، توصیف و تحلیل نماید. همچنین باید یادآور شد که منظور ما از تفاسیر عرفانی در عنوان و متن این پژوهش، تفاسیر منسوب به متصوفه

است، حتی اگر آن تفسیر خالی از جنبه های تأویلی و باطنی باشد و در زمره تفاسیر متأثر یا اجتهادی قرار گیرد. به عبارت دیگر موارد مطالعه ما میراث تفسیری صوفیه بوده است. همچنین باید گفت که با توجه به اینکه در زمینه تفسیر عرفانی قرآن آثار متعددی وجود دارد این پژوهش ضمن توجه به پراکندگی متون در قرون مختلف، ترتیب تاریخی، کامل بودن و شهرت آنها، تفاسیر القرآن العظیم از سهل بن عبدالله تستری، حقائق التفسیر از ابو عبدالرحمان سلمی، لطائف الشارات از عبدالکریم قشیری، کشف السرار از رشید الدین میبدی، رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن از محمد بن علی ابن عربی، عرائس البیان فی حقائق القرآن از روزبهان بقلی، غرائب القرآن و رغائب الفرقان از نظام الاعرج، الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة از نخجوانی، تفسیر القرآن الکریم از ملاصدرا، روح البیان از اسماعیل حقی، تفسیر منظوم از صفی علی شاه و بیان السعاده گنابادی را مورد مطالعه قرار داده است.

روش تحقیق

بررسی تاریخی صورت گرفته در این پژوهش، تحقیقی کیفی و مبتنی بر روش تاریخ انگاره است و محقق بر آن است تا با گردآوری داده ها و مواد خام از منابع گوناگون از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی با روش اندیشه ورزی و برپایه تحلیل تاریخ انگاره‌ای به بررسی و پردازش و سامان دهی داده های گردآوری شده بپردازد.

پیشینه تحقیق

بحث تحریف عهدین و مصادیق آن از اصطلاحات رایج در حوزه مباحث تفسیری و کلامی است و تا کنون نگارش های متعددی در موضوع مسأله تحریف عهدین به عمل آمده که از مهم ترین آنها می توان از برخی کتب کلامی همچون الاصول و الفروع، الفصل فی الملل و الاهواء والنحل، اظهار تبدیل الیهود و النصریة للتورات و الانجیل و الرد علی النغزیة الیهودی از ابن حزم اندلسی، الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح ابن تیمیه، اظهارالحق الهدی الی دین المصطفی محمدجواد بلاغی، دلائل النبوة و عیون الاخبار ابن قتیبہ دینوری، مسأله شناسی تحریف محمد حسن احمدی و همچنین سه رساله در مقطع کارشناسی ارشد با عناوین بررسی جایگاه و اعتبار عهدین در آیینہ روایات اهل بیت از خانم زهرا السادات قهاری به راهنمایی جناب دکتر کاظم رحمان ستایش، بررسی و تحلیل مجموعه استنادات اهل بیت به عهدین از خانم زهرا فقیه خراسانی و همچنین ارجاعات قرآن به عهدین از آقای مرتضی رضوانی زاده و مقاله‌ای نیز از دکتر شهرام پازوکی با عنوان نگرش عرفانی به کتاب مقدس و تحریف آن (ایشان در این مقاله بیش از آنکه به بررسی تحریف

عهدین از نظر عرفا پردازد مقاله خود را معطوف به بررسی مفهوم کتاب و کتاب الله نموده است همچنین ایشان در بررسی خود صرفاً به بررسی سه تفسیر عرفانی، آن هم نه از منظر رویکرد آن تفاسیر به مسأله تحریف عهدین پرداخته است) اشاره کرد. همچنین شایان ذکر است که اگرچه کتب و مقالات بسیاری در این حوزه نگاشته شده است و محققان مسلمان هریک به فراخور حال به این رویداد توجه نشان داده‌اند اما عدم توجه به رویکرد تفاسیر عرفانی به این موضوع را می‌توان آسیب عمده این نگاشته‌ها، چه در گذشته و چه در حال دانست و می‌توان گفت که واکاوی انگاره تحریف عهدین در تفاسیر عرفانی کاری است که بر زمین مانده و از این روی این پژوهش با نگاه تاریخی خود، کاری نوآمد و بی‌پیشینه است.

مفهوم شناسی

مفهوم شناسی اجزای یک تحقیق، از مهم‌ترین گام‌ها در بررسی محل تحریر نزاع می‌باشد. در فضای کاری این مقاله نیز دو اصطلاح تحریف و عهدین مکرراً به کار رفته‌اند که در این بخش به بررسی مفهوم شناسی این دو واژه پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی لغوی تحریف

تحریف از ریشه حرف به معنای گوشه، کنار و طرف است و جمع آن احرف و حروف می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۳، ج ۹: ۱۴- جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۲۴) که در باب تفعیل به معنای دگرگونی و تغییر هر پدیده‌ای به سمتی جز جایگاه طبیعی خود به کار رفته است و به تبع همین، معنی تحریف سخن نیز به معنای متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۳- فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۱۱) همچنین در باب تحریف کلام و متون گفته شده است که کلام به گونه‌ای مطرح گردد که دو احتمال متفاوت در آن امکان پذیر باشد یعنی کلام دو پهلو گفته شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۲- حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۸۷) مصطفوی نیز در این باره می‌نویسد که اصل این ماده به معنای گوشه و کنار است و وقتی می‌گوییم ((حرفت الشی)) یعنی آن را از موضع خود خارج کردم و به سوی کناره و گوشه بردم و به همین جهت به معنای مایل شدن و عدول نیز به کار می‌رود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۳۲)

مفهوم شناسی اصطلاحی تحریف

اصطلاح تحریف در ابتدا در حوزه علوم قرآن و حدیث بر مبنای همان مفهوم لغوی اصلی خود؛ یعنی برگرداندن و منحرف شدن کلام از جایگاه اصلی خود شکل گرفت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۱۱- جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۴۳) اما با گذشت زمان این اصطلاح نه بر پایه آن طیف از معنای

لغوی اصیل خویش، بلکه بر پایه طیف معنایی دیگری شکل گرفت که بیش تر ناظر به تغییر در لفظ بود.

واژه تحریف در منابع متقدم در کنار واژه لحن قرار داشت و واژه لحن در آن دوران بیش تر ناظر به خطاهایی شامل تخفیف و تشدید یا اعراب نابجا می شد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۳۰- جاحظ ۱۹۶۸ ج ۱: ۹۹) در قرن دوم و سوم نیز دو اصطلاح تحریف و تصحیف در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند (سیوطی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲- ابن قیرانی، ۱۴۰۸: ۱۶۳) که با این رویکرد، برخی از لغت شناسان در بحث از آثار املا با استفاده از این زوج اصطلاح تصحیف را به خطا در نقطه گذاری و تحریف را به خطا در شکل مشتمل بر اعراب بازگرداندند (سمعانی، ۱۴۰۱: ۱۷۱) پس از آن این تعریف از تصحیف و تحریف فراگیر شد و در کاربردهای متقابل تصحیف و تحریف، مرزی قاطع میان آن ها تصور گشت (عسقلانی، ۱۳۷۹ ق: ۲۳۰) و این در حالی بود که در کاربرد های منفرد هر یک از واژه های تصحیف و تحریف می توانستند حیطه اصطلاح دیگری را نیز پوشش دهند و البته عموماً از تحریف معنای اعم از تصحیف اراده می گردید (میرداماد، ۱۳۱۱ ق، ج ۲: ۱۳- طنحاحی، ۱۴۰۵ ق، ۱۸۷- مامقانی، ۱۴۲۳: ۴۳) اما واپسین گام در تعمیم معنای تحریف، توسعه معنایی آن به زیادت و نقصان در حروف یا کلمات بود و اگرچه در منابع سه قرن نخست هجری نمونه های بسیاری وجود دارد که تحریف در تقابل با نقصان و زیادت قرار گرفته (ابن قتیبه، ۱۳۹۳ ق: ۳۹- طبری، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۳۵) و در قرن چهارم نیز علی رغم کاربرده گسترده، این واژه همچنان رابطه تمایز خود را با زیادت و نقصان حفظ نموده بود اما در اواخر قرن چهارم به خصوص در بحث نفی تحریف قرآن می توان شاهد شروع تعمیم این واژه به معنای زیادت و نقصان بود (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۲: ۵۵۲- سرخسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۵۵) و این تعمیم آنچه پرننگ گشت که تحریف به معنای پسینی آن در نزد علمای متأخر علوم قرآن و مفسران دچار یک شیفت مفهومی به زیادت و نقصان گردید و اکثر دانشمندان متأخر بر مبنای تعریف پسینی از تحریف هرگونه تغییر و تبدیل در الفاظ و معانی قرآنی را تحریف دانستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۳۱۵- خویی، ۱۴۲۰ ق: ۱۹۷- معرفت، ۱۳۷۹: ۱۹- جرجانی، ۱۴۰۸: ۵۵)

از نظر متأخرین تحریف در این معنا به دو گونه تقسیم می گردد

۱. تاویل ناروا (تحریف معنوی) بدین معنا که گفتار به غیر وجه و طریق آن تفسیر گردد و مدلول لفظ به معنایی که به دلالت وصفی یا بر حسب قرائت متداول در آن ظهور ندارد تاویل گردد (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۰) که این رویکرد به مفهوم تحریف کاملاً متأثر از حدیث نبوی (تحریف الغالین)) می تواند باشد و به معنای قرآنی آن بسیار نزدیک است (ابشیهی، ۱۹۸۶، ج ۱: ۲۲ -

شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۳: ۲۲ - نووی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۴۱۹)

۲. تحریف لفظی (تبدیل یا کاهش و افزایش الفاظ سخن گوینده است) (نजारزادگان، ۱۳۸۴: ۱۸) که این مفهوم از تحریف خود بر چهار گونه: ۱- تحریف به زیادت ۲- تحریف به تبدیل ۳- تحریف به نقیصه و ۴- تحریف موضعی می باشد.

البته باید گفت که این رویکرد به مفهوم تحریف دارای مخالفینی نیز است و کسانی چون قرشی معتقدند که این کلمه ظهوری در مورد تغییر لفظ ندارد زیرا تغییر از غیر به معنای تحویل و تبدیل است و تغییر به دو صورت است یا در ذات است یا در صورت شی و در هر دو حالت شی پس از تغییر چیزی متفاوت با حال اولیه خود خواهد داشت و این در صورتی است که در معنای کلمه تحریف تبدیل شدن به کلمه دیگری وجود ندارد بلکه به معنای مایل شدن از جایگاه اصلی اش می باشد و نه به معنای تبدیل شدن و دگرگونی که در صورت اعمال تغییر در معنای ذاتی کلمه و صورت لفظی آن دیگر به این کار تحریف گفته نمی شود و آن را تغییر تحویل و یا تبدیل می نامند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۱۳۸) نکته دیگر آنکه حتی در تعریف اصطلاحی تحریف لفظی، صاحب نظران علوم قرآن خود بر این مطلب اذعان کرده اند که مفهوم اصطلاحی تحریف به معنای تغییر و تبدیل اصطلاح جدیدی است که با طیف معنایی لغوی آن سنخیت ندارد (جوان آراسته، ۱۳۷۷: ۳۰۷)

عهدین

کتاب مقدس عنوان مجموعه ای از نوشته های کوچک و بزرگ است که همه مسیحیان و بخشی از یهودیان آن را کتاب آسمانی خود می دانند. عنوان معروف این مجموعه در زبان انگلیسی و بیش تر زبان های اروپای Bible و یا کلمات هم خانواده آن است که از کلمه یونانی Biblia به معنای کتاب ها برگرفته شده است (توماس، ۱۳۷۷: ۲۳) همچنین عنوان دیگر این کتاب scripture است که ریشه لاتینی دارد و به معنای نوشته است و در تمام مشتقاتش به کتاب مقدس یهودی و یا مسیحی اشاره دارد که این واژه از آن نظر که دارای بار الاهیاتی خاصی نیست بیش تر مورد قبول یهودیان و نیز پژوهشگران کتاب مقدس است (صادق نیا، ۱۳۹۳: ۲۰)

همچنین در زبان فارسی و عربی، عنوان عهدین نیز برای این کتاب به کار می رود که اشاره آن به اعتقاد مسیحیان در مورد دو عهد و پیمانی است که خداوند در دو مقطع زمانی با انسان ها بسته است: یکی عهد قدیم که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است که به شریعت الهی گردن نهد و آن را انجام دهد و مشتمل بر ۳۹ کتاب است و دیگری عهد جدید که با ظهور عیسی (ع) دوران عهد و پیمان قدیم پایان یافته و پیمانی جدید مبتنی بر محبت خدا و عیسی مسیح با انسان ها بسته شده است که این بخش نیز مشتمل بر ۲۷ کتاب می باشد (صموئیل، ۱۹۹۳: ۲۳) البته باید گفت که مراد

از کاربرد عهدین در این پژوهش، تورات (اسفار خمسه) و انجیل اربعه به عنوان معتبرترین بخش‌های این دو عهد است

آیات ناظر به موضوع تحریف تورات و انجیل

آیات مرتبط با موضوع تحریف را می‌توان به دو گروه آیات ناظر به مفهوم تحریف و آیات بیانگر مصادیق انحراف در عقاید اهل کتاب تقسیم نمود که با توجه به آنکه مبنای اصلی گرایش و اعتقاد به تحریف عهدین توسط مفسران مسلمان دسته اول از آیات؛ یعنی آیاتی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم ناظر به مفهوم تحریف‌اند می‌باشد. پژوهش نگارنده نیز در بررسی آرا و رویکرد تفاسیر عرفانی در خصوص انگاره تحریف عهدین ناظر به همین آیات خواهد بود و البته در صورت لزوم در مواردی نیز به بررسی رویکرد مفسران در ذیل آیات گروه دوم نیز پرداخته می‌شود.

آیات ناظر به مفهوم تحریف

این گروه از آیات خود بر دو دسته قابل تقسیم می‌باشند:

- ۱- آیاتی که ریشه ح ر ف در آنها به کار رفته است که شامل چهار آیه می‌شوند.^۱
- ۲- آیاتی که با تعبیر دیگر و واژه‌های همسو با تحریف بیان گردیده‌اند که شامل موارد ذیل می‌گردد.

آیات بیانگر کتمان حقایق و آمیختن حق با باطل

قرآن کریم یکی از عادات ناپسند برخی از اهل کتاب، بویژه یهود را، کتمان آگاهانه بسیاری از حقایق دینی و درآمیختن حق به باطل برشمرده و در آیات مختلف از این عمل نکوهیده برخی از اهل کتاب پرده برداشته است که از جمله این آیات می‌توان به دو آیه (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^۲ و (وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^۳ اشاره کرد.

- آیات ناظر به پنهان کردن بخش‌هایی از تورات

بر اساس آیه ۹۱ سوره انعام، شیوه و سیره اهل کتاب این بود که تورات را قطعه قطعه و بخش‌هایی از آن را پنهان می‌کردند. به همین دلیل خداوند در سوره انعام، پس از بیان قدر ناشناسی و ناسپاسی یهودیان، بیان می‌کند که اینان کتاب موسی را به صورت طومارها درآورده و بخش‌هایی

^۱ - بقره / ۷۵-نساء/ ۶۶-مائده / ۱۳ و ۴۱

^۲ - آل عمران: ۷۱

^۳ - ۴۲: بقره

را آشکار و بخش های بسیاری را که به ضررشان بود همواره پنهان می داشتند (... تَجْعَلُونَهَا قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا...)^۱

- آیات ناظر به تحریف در گویش و بازی با کلمات (لیُّ اللسان)

بازی با کلمات و درهم ریختن آنها برای اهدافی خاص، یکی از عادات یهود بوده است. آنان با پیچانیدن زبان خود، واژه ها را به گونه ای تلفظ می کردند که قابل تشخیص نباشد و معنای اصلی کلمه فهمیده نشود که از نمونه های بارز اشاره قرآن به این موضوع می توان به آیه (وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنْ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ)^۲ و عبارات (سمعنا و اطعنا)^۳ و یا تلفظ راعنا^۴ به گونه ای که معنای «شروع ما» دهد اشاره کرد.

- تبدیل و تغییر گفتار:

واژه «تبدیل» در لغت به معنای تغییر به طور مطلق و بدون آوردن جانشین یا با آوردن بدل آن به کار رفته است. قرآن کریم دو بار با عبارات بسیار نزدیک به هم تغییر و تبدیل گفتاری را به یهود نسبت می دهد و بیان می کند: عده ای ستمکار سخنی را که به ایشان گفته شده بود به سخن دیگری تبدیل کردند^۵ که به نوعی دلالت بر مفهوم تحریف دارد.

سیر تاریخی انگاره تحریف عهدین در تفاسیر عرفانی

اگرچه در خصوص آغاز رویکرد عرفانی در تفسیر قرآن اختلاف نظرهایی وجود دارد و برخی آغازگر این جریان را امام صادق و یا حتی امام علی می دانند (نصر، ۱۳۸۲: ۲۰۲) اما با گذر از این اختلافات، اکثر پژوهشگران این حوزه از تفسیر سهل تستری به عنوان اولین تفسیر کامل عرفانی قرآن نام می برند. این تفسیر به زبان عربی و در قرن سوم هجری توسط ابو محمد سهل بن عبدالله تستری نوشته شده است. متن کتاب وی موجز است و شامل همه آیات قرآن نیست و مؤلف برخی از آیات را به طور پراکنده گزینش کرده و تفسیر نموده است. اما نکته جالب در خصوص این تفسیر، آن است که در گزینش صورت گرفته توسط وی، آیات ناظر به تحریف عهدین هیچ جایگاهی نداشته و علی رغم آنکه او در تفسیر خود به تفسیر برخی از آیات سوره بقره پرداخته است اما در ذیل آیات

^۱- انعام: ۹۱.

^۲- آل عمران: ۷۸.

^۳- بقره: ۲۸۵.

^۴- بقره: ۱۰۴.

^۵- بقره: ۵۸-۵۹؛ اعراف: ۱۶۱-۱۶۲.

ناظر به مسأله تحریف عهدین همچون آیه ۷۵ و ۷۹ این سوره هیچ سخنی بیان ننموده است و تنها در ذیل آیه ۴۲ سوره بقره به بیان عبارت ذیل بسنده کرده است.

و سئل عن قوله: *وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ* [۴۲] الآية، فقال: *أى لا تلبسوا بأمر الدنيا أمر الآخرة. و أراد لا يحل لأهل الحق كتمان الحق عن أهله خاصة، عمن يرجون هدايته إلى الله عزّ و جلّ، فأما أهله فإنهم يزدادون بصيرة به، و أما من كان من غير خاصة أهله فإن قول الحق لهم هداية و إرشاد إلى الله تعالى. (تفسير تسترى، ۱۴۲۳: ۳۱)*

که این عبارت بی هیچ وجه نه ناظر بر تحریف کتاب مقدس و نه ناظر به اهل کتاب می‌باشد. همچنین او در ذیل سایر آیات ناظر به تحریف در سوره های آل عمران، نسا و مائده نیز هیچ سخنی به میان نیاورده است.

سلمی نیز در قرن بعدی در تفسیر مشهور خود؛ یعنی حقائق التفسیر، که یکی از قدیم‌ترین تفاسیر عرفانی قرآن به زبان عربی و مجموعه‌ای از روایات و سخنان امام صادق (ع)، ابن عطا آدمی، منصور حلاج و ابوالحسین نوری و همچنین آرا خود او است هیچ سخنی در باره تحریف عهدین در ذیل آیات ناظر به این موضوع بیان نکرده است.

با توجه به آنچه بیان گردید عدم بیان هیچ گونه مطلبی در خصوص انگاره تحریف عهدین در دو قرن سوم و چهارم توسط این دو مفسر عارف می‌تواند نشان از آن باشد که تا این قرن رویکرد غالب در میان مسلمانان، رویکردی مثبت و اصیل انگارانه به عهدین بوده است در راستای اثبات این نظر می‌توان به سخن سجستانی نیز استناد کرد زیرا وی در کتاب المصاحف خود ذیل بحث خرید و فروش مصاحف نشان داده است که مسلمانان تا قرن چهارم به سبب حرمتی که برای کتاب خدا قائل بودند از خرید و فروش کتاب های یهودیان و مسیحیان هم احتراز می‌کردند (رک سجستانی، ۱۴۲۳: ۳۶۲ الی ۳۷۰) که این سخن نیز می‌تواند دال بر آن باشد که علی‌رغم اندک آرا و زمزمه‌ها در باره محرف بودن عهدین در نزد برخی از متکلمان مسلمان در قرن سوم و چهارم، اما در عصر سجستانی هنوز عموم مردم نگاهی احترام آمیز به تورات و انجیل موجود در آن دوران داشتند و آن را مانند کتاب خداوند می‌دانستند.

اما با آغاز قرن پنجم اوضاع تا حدودی متفاوت می‌شود و اگرچه که کتاب سلمی تأثیر شگرفی بر جریان تفاسیر عرفانی بعد از خود، بخصوص تفسیر لطائف الاشارات قشیری داشت و این مفسر به کرات از آراء سلمی در تفسیر خود سخن به میان آورده است اما اختلاف نظر قشیری با استاد خویش در خصوص تحریف عهدین جالب جلوه می‌نماید زیرا قشیری برخلاف سلمی که در تفسیر خود هیچ سخنی در باره تحریف عهدین در ذیل آیات ناظر به این موضوع بیان ننموده بود در

ذیل این آیات به بحث در مورد تحریف عهدین پرداخته است.

وی در ابتدا ذیل آیه ۷۵ سوره بقره براین عقیده است که مقصود از این آیه، مطلع کردن پیامبر و مؤمنین از میزان ایمان یهودیان است و بیان می‌دارد که چگونه امید دارید یهودیان به شما ایمان بیاورند در حالی که آنان کسانی هستند که بعد از شنیدن کلام خداوند آن را تحریف کردند و تغییر دادند (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۱: ۱۰۰) او در ذیل آیه ۱۳ سوره مائده نیز به بحث تحریف می‌پردازد و به بیان علت این کار توسط یهودیان می‌پردازد و بیان می‌دارد که این آیه اشاره به بحث تحریف و متصف شدن یهودیان به نوعی از سرکشی دارد چرا که به دلیل سختی دلشان تحریف کردند و سخت شدن دل جزایی است از جانب خداوند برای آنان (لطائف الإشارات، ۲۰۰۰، ج ۱: ۴۱۰).

وی در این آیه به بیان مراد خود از تحریف نیز می‌پردازد و بیان می‌دارد: و من تحریف الکلم - علی بیان الإشاره - حمل الکلم علی وجوه من التأویل مما تسوّل لصاحبه نفسه، و لا تشهد له دلائل العلم و لا أصله (لطائف الإشارات، ۲۰۰۰، ج ۱: ۴۱۱) که با توجه به این سخن قشیری، باید گفت که وی قائل به تحریف معنوی و نه لفظی در عهدین بوده است. همچنین او در ذیل آیه ۱۵ سوره مائده نیز به موضوع کتمان اشاره می‌کند و این آیه را ناظر به اوصاف رسول خدا(ص) و کتمان آن توسط یهودیان می‌داند (لطائف الإشارات، ۲۰۰۰، ج ۱: ۴۱۳).

پس از قشیری، میبیدی نیز در تفسیر خود یعنی کشف الاسرار و عدّه الابرار که در ضمن برخورداری از حلاوت زبان فارسی، دربردارنده نکات جالب عرفانی، تفسیری، تاریخی و ادبی نیز می‌باشد به بحث تحریف عهدین پرداخته است.

وی در کشف الاسرار در ذیل دو عبارت (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ) و (يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ) دو معنا برای تحریف بیان می‌دارد. وی ابتدا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ را به معنای (ای یغیرون کلام الله عن جهته من آیه الرجم و نعت النبی و صفته) می‌داند. او همچنین با نقل روایتی از ابراهیم نخعی با این مضمون که تحریف آن بود که در سخنان خدا که به ایشان فرو آمده بود این کلمات بود: «یا ابناء احباری، یا ابناء رسلی». که ایشان بنوشتند ((یا ابناء ابکاری)). (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۳۳) که بیان این مسأله از سوی میبیدی کاملاً ناظر بر آن است که به عقیده وی تحریف صورت گرفته از سوی یهودیان از نوع تحریف لفظی بوده است. وی سپس يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ را به معنای (یغیرون القرآن من بعد وضع الله ایه مواضعه) می‌داند و بیان می‌دارد که این آن است که خدای تعالی گواهی دادن محمد را به پیامبری در تورات به جای تصدیق بنهاد و حدود بر جای تقریر و تنفیذ بنهاد. جهودان آن شهادت بر جای تکذیب بنهادند و حدود بر جای تعطیل و تبدیل بنهادند(همو، ج ۳: ۱۱۷).

وی همچنین در ذیل آیه ۷۵ سوره بقره نیز به بحث تحریف پرداخته و به صورت مصداقی آیت رجم و صفت نعت پیامبر را مصداق تحریف توسط یهودیان می داند (همو ج ۱: ۲۳۷).

پس از میدی، به تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن اثر صدرالدین روزبهان بن ابی نصر بقلی خواهیم رسید. تفسیری عرفانی بر طریقه اهل تصوف که شیخ روزبهان به زبان عربی آن را نوشته است. اما نکته جالب در مورد این تفسیر آن است که برخلاف دو تفسیر قبلی، وی هیچ مطلبی در خصوص تحریف عهدین در تفسیر خود بیان ننموده است که علت این موضوع را می توان در منابع و آبخورهای فکری وی پیگیری نمود زیرا منابع مورد استفاده وی در نگارش تفسیرش مشتمل بر سخنان صوفیانی چون: جنید بغدادی، شبلی، سهل تستری، ابن عطاء آدمی، ابوبکر واسطی، ابوعبدالرحمن سلمی، ذوالنون مصری، ابوعثمان معزی و نصرآبادی و سخنان امام علی(ع)، امام صادق(ع) و امام رضا(ع) بوده است (فاسمپور، ۱۳۸۱: ۸۹) که با توجه به اینکه در هیچ یک از منابع نام برده شده بحثی از تحریف عهدین به میان نیامده، وی نیز به تاسی از آنها هیچ سخنی در این خصوص بیان ننموده است.

اما همزمان با ابن روزبهان، شیخ محی الدین ابن عربی در قرن هفتم در تفسیر *رحمة من الرحمن فی تفسیر و إشارات القرآن*، در ادامه روند جریانی که از قشیری آغاز شده بود بار دیگر به بحث تحریف عهدین می پردازد. وی ابتدا در ذیل آیه ۷۵ سوره بقره بیان می دارد که: این آیه دلالت دارد بر تورات، که یهودیان آن را به تغییر تلفظ تحریف کردند. البته وی بیان می دارد که آنان این تغییرات را در اصل کتاب انجام ندادند بلکه این تغییر را در ترجمه هایی که می نوشتند اعمال می کردند. وی همچنین در ادامه در خصوص فریق منهم نیز به بیان احتمالات خود می پردازد و بیان می دارد «وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ» فَيَحْتَمِلُ إِضَافَةَ سَمَاعِ الْكَلَامِ لَهُمْ وَ جِهَانِ، الْوَاحِدُ أَنْ يَكُونَ سَمَاعُهُمْ مِنْ تَلَاوَةِ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مِثْلَ قَوْلِهِ تَعَالَى (فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ) وَ يَحْتَمِلُ أَنْهُمْ سَمِعُوا كَلَامَ اللَّهِ كَمَا سَمِعَهُ مُوسَى حِينَ كَلِمَةِ رَبِّهِ عَلَى الطُّورِ وَ قَدْ ذَكَرَ ذَلِكَ، وَ وَقَعَ الْإِشْكَالُ مِنْ قَوْلِهِ «ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ» مَا ضَبَطُوهُ، فَلَوْ لَمْ يَذَكَرِ التَّحْرِيفَ كَانَ يَتَقَوَّى أَنْهُمْ سَمِعُوا كَلَامَ اللَّهِ حِينَ كَلِمَةِ مُوسَى، وَ كَانَ يَتَعَيَّنُ أَنْهُمْ السَّبْعُونَ الَّذِينَ اخْتَارَهُمْ، وَ قَوْلِهِ «ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ» يَغْيِرُونَهُ إِمَّا بِحَذْفِ بَعْضِ الْكَلَامِ لِيُزُولَ الْمَعْنَى، أَوْ هَمَجْنِينَ فِي خُصُوصٍ (وَ هُمْ يَعْلَمُونَ) نِيزَ بِهٖ دُوْ اِحْتِمَالِ اِشَارَةِ مِي كِنْدٍ وَ بِيَانِ مِي دَارْدِ كِهْ ضَمِيرِ دَرِ «وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» مَمْكِنِ اسْتِ بِهٖ قَوْمِ مُوسَى بَرْگَرْدِ كِهْ دَرِ اَيْنِ صَوْرَتِ مَنْظُورِ اَنِ اسْتِ كِهْ اَنَهَا اَزِ تَحْرِيفِشَانِ اَگَاهِ بُوْدِنْدِ وَ يَا مَمْكِنِ اسْتِ كِهْ ضَمِيرِ بِهٖ يَهُودِ مَدِيْنَهٗ دَرِ عَصْرِِ پِيَامْبَرِ بَرْگَرْدِ كِهْ دَرِ اَيْنِ صَوْرَتِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ اِشَارَهٗ بِهٖ اَگَاهِي اَنَهَا اَزِ حَقَانِيْتِ پِيَامْبَرِ خَوَاهِدِ دَاشْتِ. (ابن عربی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۵۰)

وی در ذیل دو آیه ۱۳ و ۴۱ سوره مائده نیز بار دیگر به بحث تحریف عهدین می پردازد و (بحرفون الکلم عن مواضعه) را به معنای تغییر مفهوم و مراد کلام می داند (همو، ج: ۱: ۱۵۱) که با توجه به این سخن وی می توان گفت که وی نیز همچون قشیری قائل به تحریف معنوی در عهدین بوده است.

پس از ابن عربی و در قرن هشتم نظام الاعرج (نیشابوری) نیز در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان به بیان مطالبی در خصوص تحریف عهدین می پردازد. وی ابتدا در ذیل آیه ۷۵ سوره بقره بیان می دارد که خطاب این آیه به پیامبر و مومنان است که امید داشتند تا یهود به آن ها ایمان بیاورد و خدا می فرماید چگونه امید دارید قومی که کلام خداوند را تحریف کردند به شما ایمان بیاورند. وی در ادامه در ذیل عبارت (ثم یحرفونه) به بیان مصادیق تحریف نیز می پردازد و بیان می دارد که تغییر صفات پیامبر و تغییر حکم رجم دو نمونه بارز این تحریفات هستند. وی همچنین در ادامه همین آیه عبارت (فریق منم) را ناظر به آن هفتادی نفری می داند که در کوه طور با موسی کلام خداوند را شنیدند ولی پس از آن با تحریف آن گفتند که سمعنا الله یقول فی آخره إن استطعتم أن تفعلوا هذه الأشياء فافعلوا (نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج: ۱: ۳۱۶) او همچنین در ذیل آیه ۱۵ سوره مائده نیز بار دیگر اهل کتاب را به کتمان صفات پیامبر و حکم رجم متهم می کند. (همو ج: ۲: ۵۶۹)

نظام الاعرج در ذیل دو آیه ۱۳ و ۴۱ سوره مائده به بیان علت این کار از سوی یهودیان نیز می پردازد و بیان می دارد که علت این کار از سوی یهود قساوت و سختی قلب آنها نسبت به کلام خدا بود و آنها با این تحریف خود حظ و نصیب فراوانی را که خداوند در تورات برای آنها نگاهشته بود از دست دادند. (همو ج: ۲: ۵۹۲)

دیگر تفسیر عرفانی که در این مقاله بدان پرداخته شده است تفسیر الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، تالیف نعمت الله بن محمود نخجوانی در قرن نهم می باشد. نخجوانی در ذیل آیات ناظر به بحث لبس حق و باطل و کتمان بیان می دارد که حق را که ظاهری ثابت دارد با باطل و پندار آراسته برای ضعیفانی که قدرت تشخیص ندارند نیامیزد و همچنین حق را در خودتان پنهان نکنید اما آنان در حالی که خداوند کتاب آشکار را به آنان داد و عقلی و شنیداری می دانستند که حق چیست. حق (اوصاف پیامبر) را که امری ثابت در کتاب هایشان بود کتمان کردند و در قبال این کتمان کاری شان از مردم ضعیف هدایا دریافت می کردند و برای حفظ ریاستشان و مقامشان این کار را کردند (نخجوانی، ۱۹۹۹، رک ج: ۱: ۳۱ - ج: ۱: ۵۷ - ج: ۱: ۶۲ - ج: ۱: ۱۳۷-۱۳۸).

وی در ذیل آیه ۷۵ سوره بقره نیز بیان می دارد که آیا امید دارید که ایمان به پیامبران بیاورند آیا قصه آنان را نشنیدید پستی و خواریشان را نشناختید. گذشتگان آنان گروهی بودند که کلام خداوند

یعنی تورات را می شنیدند که در آن وصف پیامبر (ص) است و وقتی نشانه هایی از نبی موعود احساس می کردند از روی حسد و ستیز دست به تغییر و تحریفش زدند و آنچه در تورات درباره قرآن و آمدن پیامبر (ص) ذکر شده را تغییر دادند و آنها را از جایگاه اصلیش که خداوند قرار داده جایگزین کردند و به جدال پرداختند (همو ج ۱: ۱۵۴) شیخ علوان در تفسیر آیه ۴۱ سوره مائده نیز به موضوع کتمان و تغییر صفات پیامبر توسط یهود می پردازد و بر این عقیده است که یهود کلام خداوند را که در تورات درباره شأن و منزلت و بزرگی و امر نبوت آمده تغییر دادند (همو، ج ۱: ۲۳۰) وی در تفسیر آیه ۷۹ سوره بقره نیز به صورت واضح به بحث تحریف لفظی و دستبرد اشاره می کند و بیان می دارد که ویل برای کسانی که با دست‌هایشان کتاب‌هایی می نویسند آنها مستحق بدترین عذاب هستند زیرا کتاب خدا را تحریف کردند و نظرات پست خود را وارد کردند و گفتند از جانب خداوند است و به خاطر این تحریف از مردم ضعیف هدایا دریافت می کردند زیرا آنها گمان می کردند اینان آگاه از امور دین هستند (همو، ج ۱: ۳۹).

پس از نخبوانی، در اوایل قرن یازدهم ملاصدرا نیز در تفسیر قرآن خود در ذیل دو آیه ۴۲ سوره بقره و ۷۱ سوره آل عمران گریزی به بحث تحریف عهدین زده است. وی ابتدا در تفسیر آیه (وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) این آیه را خطاب به بزرگان اهل کتاب می داند و بر این عقیده است بیش‌تر کسانی که حق را به باطل می آمیزند فقها هستند. کسانی که هوا و هوس جاه و مقام و نزدیکی به پادشاهان و طلب مال بر آنها غلبه می کند و زمانی که این هوی و هوس بر آنها غلبه می یابد تفسیرهای دور از ذهن انجام می دهند و باب میل پادشاهان عمل می‌کنند و چون فقیه هستند به امر شرعی استناد می دهند و چه بسا که اعتقادی هم ندارند (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۳: ۲۳۸). وی همچنین در ذیل آیه ۷۱ سوره آل عمران به تبیین بیش‌تر موضوع لبس حق و باطل می پردازد و حق را ناظر به بحث نبوت پیامبر و صفات ایشان می داند (همو، ج ۱: ۴۷).

پس از ملاصدرا، بروسوی نیز در تفسیر روح البیان خود بحث تحریف را به صورت جدی مطرح نمود. وی ابتدا در ذیل آیات ناظر به بحث لبس حق و باطل و کتمان بیان داشت که این آیات خطاب به بنی اسرائیل است و خداوند در این آیات خطاب به یهودیان می گوید که حق را با باطلی که خود به وجود آورده اید نیامیزید که حق از باطل تشخیص داده نمی شود و حق را کتمان نکنید برای اینکه در تورات صفات پیامبر را نمی یابند در حالی که شما می دانید او پیامبر بر حق است (وی به جز بحث صفات پیامبر موضوع قبله را نیز مصداق حق می داند) (بروسوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۵۲).

بروسوی در ذیل آیات ۴۶ سوره نساء و آیات ۱۳ و ۴۱ سوره مائده نیز به بیان مصادیق تحریف

می پردازد و می گوید یهودیان صفات پیامبر را تحریف و سخن خداوند را از جایگاهش تغییر دادند و بهره وافی از تورات را با تحریف صفات پیامبر (ص) از دست دادند. همچنین آنها به جز صفات پیامبر، حدود الهی رانیز در تورات تغییر دادند و به یاران خود گفتند که اگر پیامبر حکم به شلاق را داد قبول کنند و اگر حکم رجم داد آن را نپذیرند که پیامبر حکم رجم را داد و آنها به کتمان و تغییر این حکم پرداختند (همو، رک ج ۲: ۳۶۹-۲، صص ۲۱۵-۲۱۶ - ج ۲: ۳۶۵-۲: ۳۹۴).

پس از بروسوی، حاج میرزا حسن اصفهانی متخلص به صفی و ملقب به صفی علی نیز که بی شک از بزرگترین عرفای اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری بود نیز در تفسیر منظوم قرآن کریم که از شاهکارهای عظیم دوره اخیر به شمار می رود به موضوع تحریف عهدین پرداخته است.

وی ابتدا در ذیل آیه ۷۵ سوره بقره بیان می دارد که

پس طمع دارید آیا کاین گروه	مر شما را بگروند از هر وجوه
یعنی ایمانشان بود از اختیار	و از یقین و از عیان و اعتبار
وانگه از ایشان فریقی بشنوند	قول حق پس منحرف از ره شوند
می کنند از میل خود تحریف آن	بعد از آن کز عقل دانند آن بیان
یعنی از بعد تعقل اندر او	سوی تحریفش کنند از یاوه رو
وانگهی دانند خود تعریف آن	می کنند از عمد پس تحریف آن

او در ادامه تفسیر همین آیه به تحریف گران نیز اشاره می کند و بیان می دارد که

گشت ز اسرائیلیان هفتاد تن	منتخب تا بشنوند از حق سخن
عالمان بودند آنها از یهود	چون شنیدند از عناد و از جحود
بهر آن کردند تاویلات خام	غیر تاویلی که بود اندر کلام
از پی تحریف تورات آمدند	با هوای خود ز میقات آمدند
بس حرام از میلشان آمد حلال	هم حلال آمد حرام اندر مقال
اندرین امت هم از اجحاف خویش	پیروی کردند از اسلاف خویش
از هوای بد دلان در اصل و فرع	رفت بس تحریف در احکام شرع

(تفسیر قرآن صفی علی شاه؛ ۱۳۷۸: ۳۳)

سپس در ذیل آیه ۷۸ سوره آل عمران به بحث لین لسانی و بازی های زبانی نیز اشاره می کند و بیان می دارد که

هم ز ایشان فرقه‌ای باز از کتاب
بر گمانشان کز کتابست آن همه
یعنی از حق است این اقوال و نیست
بر خدا دانسته این بهتان زنند
بر زبان پیچند بهر انتساب
نز کتابست آنچه گویند آن رمه
از خدا آن بلکه کذب و افتریست
نی که نادانند بر کذب و نژند
(صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۱۱۳)

وی در ذیل آیه ۴۶ سوره نسا نیز به بحث تحریف عهدین می پردازد و با اشاره به منحرف کردن نعت و صفات پیامبر بیان می دارد که

زان کسانی کز عناد و از ستم
از پیامبر می شنیدندی یهود
آمد این آیت که تحریف کلام
نعت احمد هر چه در تورات بود
همچنین تحریف قول مؤتمن
شد سمعنا و عصینا قولشان
یعنی اقوال تو بشنیدیم هم
دم ز و اسمع غیر مسمع میزدند
یعنی آن را بشنو و باور مکن
راعنا را بر دو وجه است احتمال
ظاهرش یعنی که در ما درنگر
بر زیانشان بود نرمیها چنین
ور که میگفتند بشنیدیم ما
هم بجای راعنا اندر کلام
بهر ایشان خیر و اقوم بود لیک
میگردانند از موضع کلم
هر سخن تحریف میگردند زود
هست چون تحریف تورات از مقام
منحرف کردند از وضعش یهود
میکنند از میل و رأی خویشتن
بود نافرمانی اندر حولشان
لیک فرمان کی بریم از بیش و کم
طاعنان از راعنا لیا بدند
زانکه او را نیست مغزی در سخن
قصدا ایشان بود طعن و احتیال
لیک باطن بود مقصود دگر
لیک بد مقصود استهزا بدین
هم مطیعیم آنچه گفتی از خدا
بود و انظرنا مر ایشان را تمام
لعنت حق بودشان در کفر نیک
(قرآن صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۱۴۶)

وی در ذیل آیه ۱۳ سوره مائده نیز بیان می دارد که

میکنند از عمد تحریف کلام
حرف تورات از مقام و موضعش
منقلب یعنی بتأویلات خام
حظ وافی رفتشان یک جا زیاد
در قساوت این عمل باشد تمام
می بگردانند بر ناموقعش
می کنند احکام تورات و کلام
که بر ایشان حق بوعظ و پند داد
وان خیانتها کز ایشان رخ نمود
تا چه باشد پیشه و افعالشان
خائنند و بد سیر جز اندکی
که نمانند از دیانت در شکی
(صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۱۸۰)

در یک جمع بندی، با توجه به آنچه که صفی علی شاه در ذیل آیات ناظر به تحریف عهدین بدان ها پرداخت و با توجه به برخی از ابیات او همچون:

بهر آن کردند تأویلات خام
غیر تأویلی که بود اندر کلام
و یا

می کنند از عمد تحریف کلام
حرف تورات از مقام و موضعش
در قساوت این عمل باشد تمام
می بگردانند بر ناموقعش

می توان گفت که وی هم قائل به تحریف معنوی و هم تحریف لفظی در عهدین بوده است. آخرین تفسیری که در این سیر تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده گنابادی در قرن چهارده است. اهمیت این تفسیر از آن روست که یگانه تفسیر کامل قرآن برجای مانده به مذاق عرفانی شیعه است.

گنابادی در تفسیر خود به بیان مصداقی جدید از تحریف پرداخت که تا پیش از او در هیچ کدام از تفاسیر عرفانی گذشته بیان نگردیده بود. وی ابتدا در ذیل آیه ۴۱ سوره بقره بیان نمود که در این آیه مراد از (و امنوا بما انزلت) نبوت پیامبر و ولایت علی (ع) است و مراد از (مما معهم) تورات و انجیل و احکام فرعی شریعت و عقائد اصلی دینی است و برشماست که به آنها ایمان بیاورید و اگر ایمان نمی آورید صبر کنید و اولین کافر به او نباشید که از هر زشتی برای شما زشت تر است برای اینکه شما به راستی اش آگاه هستید (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۸۷).

او در ذیل آیه ۴۲ سوره بقره نیز که ناظر به مفهوم لبس حق و باطل بود علی را به عنوان یکی از مصادیق حق مطرح می کند و بیان می نماید که حق یعنی ایمان و عقاید دینی و فروع شرعی گرفته شده از طریق ظاهر و آموزش از طریق باطن با الهام و وجدان و یا حق همان ولایت علی (ع) و باطل همان کفر و ضد عقائد دینی و غیر ولایت علی و مانند اینهاست (همو، ۱۴۰۸، ج ۱: ۸۹).

او در ذیل آیه ۷۵ سوره بقره نیز این بحث را ادامه می دهد و در تفسیر آیه بیان می دارد که آیا امید دارید بنی اسرائیل کلام خداوند را که در وصف پیامبر (ص) و علی (ع) در کتابی که برایشان نازل شد با تغییراتی با زیادت و کم و تقدیم و تاخیر تحریف کردند به شما ایمان بیاورند؟ (همو، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۰۵).

وی در ذیل آیه ۱۰۱ سوره بقره نیز این بحث را پی می گیرد و بیان می دارد یهودیان با وجود آنکه تورات حکایت از دلائل و آیات مصرحه بر صدق نبوت محمد و فضل علی (ع) داشت و آنها این مطالب را می دانستند اما مخالفت کردند گویا که علم ندارند تا حق را از باطل تشخیص دهند. (همو، ج ۱: ۱۲۰).

همچنین وی در تفسیر آیه ۱۵ سوره مائده در ذیل بیان موضوع دو تن از اشراف یهود که مرد و زن زناکار بودند به موضوع تغییر حکم رجم توسط یهودیان به عنوان دیگر مصداق تحریف نیز اشاره می کند (همو، ج ۲، ص ۷۹).

او در ذیل آیه ۹۱ سوره عمران نیز به بحث تخفون اشاره می کند و بیان می دارد که یهود برای آنکه بتواند آنچه را مطابق خواسته هایتان نیست پنهان کند احکام خدا را جزء جزء و جدا کردند و با این کارشان تورات را تحریف کردند (همو، ج ۲، ص ۱۴۱).

اما اینکه چرا گنابادی به بیان چنین مصداقی برای تحریف عهدین پرداخته است می توان در آبخورهای فکری و منابع مورد استفاده وی در تدوین و نگارش تفسیرش پی جویی و جستجو نمود زیرا بیان السعادة علاوه بر جنبه های عرفانی، جنبه های روایی نیز دارد و وی از جنبه نقلی و روایی و بحث درباره شأن نزول آیات، مباحث مستوفایی نیز بیان نموده است که عمده اقوال و مطالب منقول از او در این زمینه مبتنی بر دو تفسیر صافی فیض کاشانی و البرهان سید هاشم بحرانی است (سمیعی ۱۳۷۰، ص ۱۳۵) و با توجه به اینکه بحرانی نیز در تفسیر خود در ذیل آیات ناظر به تحریف عهدین، کتمان و حذف نام علی (ع) را مصداق تحریف توسط یهودیان دانسته است (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱: رک ۲۰۳ و ۳۴۶) می توان گفت که گنابادی نیز به هم دلیل و با تاثر از آرا و نظرات بحرانی به بیان این مطالب پرداخته است.

نتیجه‌گیری:

اگرچه از اواسط قرن سوم، زمزمه های اندکی در خصوص تحریف عهدین و عدم اعتبار آن در میان برخی از متکلمین مسلمان در برخی از مناظرات کلامی با اهل کتاب به گوش می رسد اما اولاً تا اواخر قرن چهارم به وضوح سخنی مبنی بر تحریف عهدین در تفاسیر عرفانی بیان نگردیده است و به نظر می آید که تا قرن چهارم رویکرد اصیل انگاری به عهدین، رویکرد غالب در تفاسیر عرفانی بوده است. ثانیاً این انگاره از قرن پنجم و با برخی از نظرات قشیری دال بر تحریف معنوی در میان تفاسیر عرفانی آغاز گردید و پس از او میبیدی نیز با بیان مصادیقی از تحریف لفظی در شکل گیری ذهنیت مفسران نسبت به انگاره تحریف عهدین نقش بسزایی داشت و به صورت کلی می‌توان گفت که پس از میبیدی، فارغ از تک مضرابی همچون ابن روزبهان که عدم بیان هیچ مطلبی مبنی بر تحریف عهدین توسط وی می‌تواند دال بر اصیل انگاری عهدین از نظر او باشد سمفونی هم صدای تفاسیر عرفانی، خاصه از قرن یازدهم به بعد مبتنی بر وقوع دوگانه تحریف لفظی و معنوی در عهدین بوده است.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابشهی، شهاب‌الدین محمد بن احمد ابوالفتح، المستطرف فی کل فن مستطرف، بیروت، عالم‌الکتب ۱۹۸۶.
- ۲- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه، ۱۴۰۴.
- ۳- ابن قتیبه، عبدالله، تاویل مختلف الحدیث، بیروت، دارالفکر ۱۳۹۳ ق.
- ۴- ابن قیرانی، محمد، ایضاح الاشکال، الکویت مکتبه المعلا ۱۴۰۸.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان، دارصادر، ۱۴۱۳.
- ۶- ابن عربی، محمد بن علی، رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، ۴جلد، مطبعه نضر - سوریه دمشق، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۷- ابو بکر بن ابی داود السجستانی، کتاب المصاحف، الفاروق الحدیثه للطباعه و النشر مکان چاپ: القاهره، ۱۴۲۳.
- ۸- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه - ایران - قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۹- تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، ۱۴۲۳ ه.ق.
- ۱۰- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان ابوبکر، دلائل الاعجاز، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸.
- ۱۱- جصاص، احمد، احکام القرآن، بیروت، دارالفکر ۱۴۰۵.
- ۱۲- جمال‌الدین، راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲، ۱۱۹.
- ۱۳- جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۷.
- ۱۴- جوهری، اسماعیل، الصحاح، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷.
- ۱۵- حسینی زبیدی، سیدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- ۱۶- حقی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰.
- ۱۷- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۸- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، ۳جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، ۲۰۰۸.
- ۱۹- سرخسی، محمد، الاصول، قاهره، مطبعه الاستقامه ۱۳۷۲.
- ۲۰- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعاده فی مقامات العبادۃ گنابادی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸.
- ۲۱- سمعانی، عبدالکریم، ادب الاملاء والاستملاء، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- ۲۲- سمعی، کیوان، رساله ترجمه حال کیوان قزوینی، در دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، تهران ۱۳۷۰ ش.

- ۲۳- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر الإیتقان فی علوم القرآن، تهران، امیرکبیر ۱۳۸۵.
- ۲۴- شوکانی، محمد، نیل الاوطار، بیروت، بیت الافکار ۱۹۷۳.
- ۲۵- شیخ علوان، نعمه الله بن محمود، الفواتح الإلهیه و المفاتح الغیبیه، قاهره - مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹م.
- ۲۶- صادق نیا، مهرا، قرآن و کتاب مقدس، قم، هاجر، ۱۳۹۳.
- ۲۷- صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۱.
- ۲۸- صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر، تفسیر قرآن صفی علی شاه، جلد، منوچهری - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۲۹- صموئیل، یوسف، المدخل الی العهد القديم، قاهره، دارالثقافه، ۱۹۹۳.
- ۳۰- طبری محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل [أی] القرآن، تهران، ایرانسال طبری، ۱۴۰۵.
- ۳۱- طناحی، محمود محمد، مدخل الی تاریخ نشر التراث العربی، قاهره مکتبه الخانجی ۱۴۰۵ ق.
- ۳۲- عسقلانی، احمد، فتح الباری، بیروت دار الکتب العلمیه ۱۳۷۹ ق.
- ۳۳- فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳ ص ۲۳۰- جاحظ، عمرو، البیان والتبیین، ۱۹۶۸ بیروت، دارالفکر.
- ۳۴- فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳ ص ۲۱۱- جوهری، ۱۴۰۷.
- ۳۵- فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، قم، موسسه دار الهجر، ۱۴۰۹.
- ۳۶- فضلی، عبدالهادی، اصول تحقیق التراث، بیروت، ام القرى للتحقیق و النشر ۱۴۱۰.
- ۳۷- فیض کاشانی، ملامحسن، الصافی، تهران، دارالصدر، ۱۴۱۵.
- ۳۸- قاسم پور، محسن، «روزبهان و تفسیر عرائس البیان»، مجله آینه پژوهش، ش ۷۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.
- ۳۹- قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت ۱۴۱۲.
- ۴۰- کیوان سمیعی، رساله ترجمه حال کیوان قزوینی، در دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران، تهران ۱۳۷۰ ش.
- ۴۱- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه، قم، آل البیت ق، ۱۴۲۳.
- ۴۲- مصطفوی، حسن التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸.
- ۴۳- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۹.
- ۴۴- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، امیر کبیر - ایران - تهران، ۱۳۷۱ ق.
- ۴۵- میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماویه، تهران ۱۳۱۱ ق.
- ۴۶- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷، ۴۷- نجارزادگان، فتح اله. «تحریف ناپذیری قرآن»: نشر مشعر ۱۳۸۴.
- ۴۸- نصر، سید حسین، صدر المتالین شیرازی و حکمت متعالیه، حسین سوزنجی انتشارات سهروردی ۱۳۸۲.
- ۴۹- نووی، یحیی، تهذیب الاسما و اللغات، بیروت، دار النفایس، ۱۴۰۵.